

پرسش و پاسخ های درس آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی

استاد ارجمندیان

سال ۱۳۹۹

"بسم الله الرحمن الرحيم"

کلیات

۱- ضمن تعریف علم فرق و مذاهب اسلامی و بیان
ویژگی های آن تفاوت آن را با علم کلام اسلامی
توضیح دهید .

لغوی: فرق جمع فرقه به معنای گروهی از مردم ؛ و مذاهب جمع مذهب به معنای رأی و عقیده است

تعریف: علم فرق و مذاهب اسلامی، علمی است که به شیوه توصیفی و تاریخی درباره مذاهب
اسلامی بحث می کند و به معرفی آنها می پردازد. دو علم کلام و مذاهب اسلامی از لحاظ روش،
غایت و موضوع با یکدیگر متفاوتند:

ویژگی های علم فرق و مذاهب اسلامی و تفاوت آن با کلام اسلامی:

۱. روش: روش علم مذاهب، روش نقلی، تاریخی و توصیفی است در حالیکه روش علم کلام،
روش عقلی، نقلی است

2. غایت: غایت علم مذاهب، معرفی مذاهب و فرق اسلامی و عقاید خاص آنهاست. حال آنکه غایت

علم کلام، استنباط عقاید اسلامی و دفاع از آنهاست.

3. موضوع علم مذاهب، مذاهب و فرقه های اعتقادی اسلامی است ولی موضوع علم کلام، اعتقادات دینی است.

۲- کتاب های مربوط به علم مذاهب اسلامی چند قسم هستند؟ از هر قسم چند مورد مثال بزنید.

سه قسم هستند: الف؛ کتابهایی که در صدد معرفی همه فرقه های اسلامی و غیر اسلامی هستند مثل ملل و نحل شهرستانی

ب؛ کتابهایی که فقط در مورد مذاهب اسلامی هستند مثل مقالات الاسلامیین اشعری و الفرق بین الفرق بغدادی

ج؛ کتابهایی که فقط مختص یکی از مذاهب اسلامی هستند مثل فرق شیعه نوبختی و مقالات و فرق اشعری

۳- علت پیدایش مذاهب و فرق مختلف اسلامی چیست؟ آیا عوامل دیگری هم به نظر شما دخالت داشته اند؟

پیدایش مذاهب و فرق مختلف در اثر پیدایش اختلافات میان مسلمانان بوده که علت این اختلافات الف) خلاء رهبری مورد قبول همه مسلمانان بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

ب) تعصبات قبیله ای

ج) پیروی از هوای نفس و گرایش به منافع مادی و
لجاجت

د) فتوحات مسلمین و گسترش حوزه جغرافیایی اسلام
و ورود ادیان و عقاید دیگر

۴- اختلاف پیرامون هر یک از مسائلی مانند امامت-
ایمان و کفر- جبر و اختیار سبب پیدایش چه فرقه‌هایی
شده است؟

اولین اختلاف اعتقادی مهم، اختلاف بر سر خلافت
و امامت و خلافت بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله بود
که منجر شد مسلمان‌ها به دو دسته شیعه و سنی تقسیم
شود .

دومین اختلاف هم اختلاف بر سر مسئله ایمان و کفر فاسق
بود که منجر شد مثل آنها به خوارج، مرجعه و معتزله تقسیم
شد .

سومین اختلاف بر سر مسئله جبر و اختیار بود که منجر به
پیدایش فرقه‌های جبریه و قدریه شد.

جواب درس 2 خوارج

1-خوارج چه کسانی هستند و اعتقادات مهم آنها کدام است ؟

خوارج جمع خارجی به معنای خروج کننده و شورشی است. معنای عامش بر کسی اطلاق میشود که علیه امام برحق و مورد قبول مسلمانان شورش کند و به معنای خاص به کسانی گفته میشود که در جنگ صفین در مقابل امام علی علیه السلام شوریدند و به آنه مارقین هم گفته میشود. مهمترین اعتقاد خوارج این است که مرتکب کبیره را کافر می دانستند این اعتقاد لوازم کلامی مهمی دارد.

2-فرقه های مختلف خوارج چه تفاوتها و چه مشترکاتی باهم دارند؟

محکمه الولی یا حرویه :در مقابل امام علی قرار گرفتند و حکمیت را انکار کردند از نگاه آنها تحکیم انسانها گناه است، هر گونه گناه موجب کفر میشود، آزاد بودن و قریشی بودن شرط امام نیست.

ازارقه:اعتقادشان، مخالفان ازارقه مشرک و کافر هستند . قاعدین خوارج کافر و مشرک هستند. کشتن

اطفال مخالفان مباح است. همه ی مشرکان و اطفال آنان مخلد در آتشند. انجام هر گناه کبیره و صغیره موجب کفر و شرک است. خداوند می تواند کسی را به نبوت برگزیند که قبلا کافر بوده یا بعدا کافر خواهد شد، و اینکه تقیه در گفتار و کردار جایز نیست.

نجدیه یا عاذریه یا نجدات: تنها کسی که بر گناه اصرار ورزد کافر و مشرک است، مردم نیاز به امام و رهبر ندارند و تنها رعایت انصاف لازم است، تقیه جایز است، قتل مخالفان جایز نیست، قاعدین خوارج معذورند.

صفریه؛ کشتن زنان و اطفال مخالفان را جایز نمیدانند و در مورد کافر بودن گناهکار سه نظر دارند (الف) هر گناهی موجب شرک و کفر است (ب) کافر کسی است که مرتکب گناه مثل نماز که حد شرعی ندارد. (ج) و کسی که به خاطر گناهِش از طرف حاکم شرع محکوم به حد شرعی میشود.

اباضیه: مرتکبین کبیره کافرند، کفر آنها کفر نعمت است نه کفر ملت و دین، مرتکبین کبیره موحدند نه مشرک، ازدواج و ارث بردن مرتکبین کبیره جایز و قتل آنان جایز نیست.

3. آنها

از دین خارج شده بودند و به علت مسایلی که به ایمان و کفر مربوط میشد یا نه به چند فرق تقسیم شدند و عواملی که سبب پیدایش چنین تفکراتی شد از جمله تعصبات قبیله ای ، کناره گیری خواص از صحنه سیاسی اجتماعی ، طولانی شدن جنگ و عدم کسب غنایم ، تردید و دودلی و از لحاظ اعتقادی و مبنای فکری ضعیف بودند

جواب سوالات درس مرجئه

۱. معنای ارجاء چیست و چه تناسبی میان این معنا و کسانی که نام آن را بر خود گذاشتند وجود دارد؟

پاسخ: کلمه ارجاء دو معنی دارد: تاخیر انداختن و امید دادن. اطلاق این نام به معنای نخست بر گروهی خاص به دلیل آن است که آن ها رتبه عمل را موخر از رتبه ایمان و خارج از آن می دانستند و اطلاق آن به معنای دوم به این دلیل بود که آنها به گناهکاران امید بخشیده شدن می دادند، چون معصیت را برای ایمان مضر نمی دانستند. برخی گفته اند مراد از ارجاء تاخیر انداختن حکم مرتکب کبیره تا روز قیامت است و در دنیا درباره آنها نباید قضاوت کرد.

۲- فرقه های مختلف مرجئه کدامند؟

تقسیم بندی بغدادی ← مرجئه قدریه (خیلانیه)

مرجئه جبریه (جهمیه)

مرجئه نه قدریه نه جبریه (خالصه)

تقسیم بندی نوبختی ← مرجئه جهمیه (خراسان)

مرجئه خیلانیه (شام)

مرجئه ماصریه (عراق)

مرجئه شکاک و بتریه

بغدادی مرجئه خالصه را به 5 فرقه و شهرستانی 6 فرقه میداند.

۳. تفاسیر مرجئه از ایمان و لوازم این تفاسیر چیست؟

پاسخ: تفاسیر مرجئه درباره ایمان را می توان در سه

تفسیر زیر خلاصه کرد. ۱. ایمان عبارت است از

معرفت و اعتقاد قلبی همراه با اقرار و اعتراف زبانی.

۲. ایمان صرفاً معرفت و اعتقاد است. ۳ ایمان صرفاً

اقرار زبانی است. نقطه اشتراک آرای مذکور این است

که عمل بیرون از ایمان و موخر از آن است. از این

مطلب سه نتیجه مهم گرفته می شود: نخست آنکه ایمان امری بسیط است و دارای درجات و مراتب مختلف نیست. دوم اینکه مرتکبین گناهان کبیره مومن هستند و سوم اینکه گناهکاران اگر توبه نکند لزوماً دچار عذاب ابدی نخواهند شد و درباره اصل عذاب آنها نیز حکم قطعی نمی توان داد.

۴. چه تقابل هایی میان مرجئه و خوارج وجود دارد؟

پاسخ: همانگونه که آرای سیاسی مرجئه در مقابل آرای سیاسی خوارج بود، درباره آرای کلامی مرجئه و خوارج نیز وضعیت از این قرار است. در واقع عقاید کلامی این دو گروه افراط و تفریط در باب ایمان و کفر است. یکی فاسق را کافر و مستحق قتل می داند و دیگری ایمان فاسق را مساوی ایمان پیامبر خدا میداند همانگونه که عقیده خوارج در طول تاریخ باعث ریخته شدن خون بسیاری بی گناهان شد، عقیده مرجئه هم باعث توجیه ظلم ستمکاران و حاکمان بنی امیه و بی اعتنایی به احکام دینی و انحطاط اخلاق گردید.

۱- قدریه چه کسانی هستند ؟

در احادیث قدریه از سوی پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت سخت مورد مذمت قرار گرفتند و آنان را مجوس امت خوانده اند . در همین احادیث قدریه به دو گروه مختلف اطلاق شده است : گاه بر معتقدین به قضا و قدر الهی در افعال انسان و گاه بر منکرین قضا و قدر الهی در افعال انسان یا قائلین به قدرت و اختیار مطلق انسان در افعالش . لذا هر دو گروه مذکور دیگری را قدریه می خوانند . در کتابهای مذاهب و فرق معنای دوم به کار رفته است . به این افراد مفوضه به معنای واگذار شده به خود هم گفته می شود .

۲_ قدریه نخستین چه اعتقاداتی داشته اند ؟

قدریه نخستین همان مرجئه قدری هستند که دو اعتقاد مهم داشتند .

۱: اعتقاد به ارجاء ۲: اعتقاد به تفویض و نفی تقدیر الهی در افعال انسان

۳_ ریشه پیدایش قدریه چیست ؟ پیدایش آنها تا چه حد با فلاسفه یونانی ارتباط دارد ؟

به نظر میرسد که در فرهنگ دینی و سیاسی مسلمین به اندازه کافی می توان ریشه ها و انگیزه هایی برای طرح مسئله جبر و اختیار یافت به عنوان مثال در قران کریم آیات هدایت رابه خدا نسبت داده و از سوی دیگر اختیار انسان و شکل موضعگیری او را در سعادت خویش تاکید کرده و نیازی به جستجو در ریشه های بیرونی و بیگانه ندارد . چرا که در نسبت فرقه قدریه با فلاسفه یونانی اختلاف آرا است ؛ با توجه به اینکه یکی از مراکز قدریه شام و دمشق بوده است و فیلسوفان نصرانی و یونانی در آنجا حضور داشته اند ، قدریه اعتقادات خود را از متکلمان نصرانی و فیلسوفان یونانی گرفته اند . مثلا گفته اند : غیلان آراء خود را از کتاب ینبوع الحکمه یوحنا ی دمشقی گرفته است .

درس ۵ جبریه و جهمیه

سوال ۱. اقسام جبریه را بیان کنید و مصادیق هر گروه را مشخص نمایید.

جبر در اصطلاح علم فرق و مذاهب ، به معنای نفی فعل اختیاری از انسان و انتساب همه افعال به خداست . جبریه به دو دسته خالصه و متوسطه تقسیم میشوند . گروه نخست برای انسان هیچ گونه قدرت و عملی قائل نیستند و تمام افعال انسان را به خدا نسبت می دهند . گروه دوم برای آدمی قدرتی را اثبات می کنند اما قدرت را در فعل او مؤثر نمی دانند.

سوال ۲. اعتقاد به جبر از چه زمانی پدید آمد؟

اعتقاد به جبر قبل از اسلام نیز مطرح بوده است و حتی برخی مشرکان مکه نیز چنین اعتقاداتی داشته اند . اما اینکه در میان مسلمانان چه زمانی این عقیده مطرح شده دقیقاً روشن نیست . رساله ای از ابن عباس در دست است که در آن جبریه اهل شام را مخاطب قرار می دهد . بر طبق این رساله ، در زمان صحابه پیامبر گروهی به جبر اعتقاد داشته اند . چنین رساله ای از حسن بصری نیز گزارش شده است که جبریه اهل بصره را مخاطب ساخته است . بنابراین در قرن اول

هجری در عراق و شام گروه هایی با اعتقاد به نظریه جبر یافت می شده اند. نخستین کسی که عقیده جبر را مطرح کرد معاویه بود.

سوال ۳. عقاید مهم جهمیه را بیان کنید.

۱- ارجاء : ایمان ، تنها معرفت به خداست و کفر ، تنها جهل به اوست . کسی که خدا را بشناسد اما به زبان و گفتار خدا را انکار کند کافر نیست . بنابراین ، اقرار و اعمال خارج از ایمان و متاخر از آن است .

2- جبر : انسان بر هیچ چیز قادر نیست و در افعالش مجبور است . او قدرت و اراده و اختیار ندارد .

3- نفی صفات الهی : خداوند را نمی توان به صفتی از صفاتی که مخلوقات را به آن توصیف میکنیم وصف کرد .

4-خلق قرآن : کلام خدا حادث است و مخلوق .

5- حدوث علم الهی : علم خدا به امور حادث ، حادث است .

6- نفی رؤیت خدا : خداوند را حتی در روز قیامت نیز نمی توان دید .

۷- فنای بهشت و جهنم : پس از آنکه بهشتیان و دوزخیان در بهشت یا جهنم وارد شدند و پاداش و عذاب دیدند ، بهشت و جهنم از بین خواهند رفت.(بهشت و جهنم ابدی نیستند.)

درس ۶ ادوار شیعه

سوال 1: پیدایش شیعه از چه زمانی بوده است و چه دوره‌هایی را گذرانده است؟

نخستین دوره حیات شیعه زمان حیات پیامبر (ص) است که پیامبر بارها فرمودند شیعه علی توسط ایشان رواج پیدا کرد و در پایان عمر ایشان هم واقعه غدیر اتفاق افتاد //مرحله دوم حیات شیعه مربوط به پس از وفات پیامبر (ص) است در حالی که عده‌ای در سقیفه مشغول تعیین خلیفه بودند شیعیان علی (ع) با اعتقاد به جانشینی ایشان گرد شان جمع آمدند که در راس آنها مقداد ، سلمان ، ابوذر و عمار بودند لکن به جهت اسلام سکوت اختیار کردند و با حاکمان وقت همراهی کردند دوره سوم //پس از قتل عثمان و به خلافت رسیدن امام علی (ع) شروع می شود در این دوره امامت امام علی (ع) فعلیت بیشتری یافت و شیعه

در حاکمیت سیاسی هم نقش پیدا می کند پس از شهادت امام علی (ع) و صلح امام حسن (ع) دوره حیات شیعه در عصر اموی آغاز می شود که سخت ترین دوره حیات شیعه است.

سوال ۲) چه اختلافاتی سبب پیدایش فرقه های مختلف در میان شیعیان شد؟

اولین اختلاف در شیعه زمانی اتفاق افتاد که مختار که به خونخواهی امام حسین (ع) قیام کرده بود محمد حنفیه را به عنوان امام مهدی (عج) معرفی کرد و در اینجا اولین انشعاب در شیعه پیدا شد به پیروان مختار و این اعتقاد کیسانیه می گویند//جریان دیگری که به پیدایش فرقه ای دیگر انجامید قیام زید فرزند امام سجاد (ع) بر ضد بنی امیه بود پس از آنکه او به شهادت رسید پیروان او که امامت او را قبول داشتند به زیدیه معروف شدند/// سومین انشعاب شیعه در زمان امام صادق (ع) رخ داد زیرا عده ای اسماعیل فرزند ارشد او را به عنوان امام هفتم پذیرفتند و اسماعیلیه نامیده شدند.

سوال 3) مهمترین فرقه های شیعی کدامند؟

امامیه : بزرگترین و مهمترین گروه که به امامت بلافصل علی ع پس از پیامبرص و یازده فرزند او.

زیدیه: گروهی که بعد از قیام زید و کشته شدن او زید را به عنوان امام چهارم پذیرفتند زید فرزند امام سجاد است.

اسماعیلیه : در زمان امام جعفر صادق ع کسانی که با عقاید عجیب امام کاظم را نپذیرفتند و امامت را شایسته اسماعیل پسر امام ششم و برادر امام کاظم دانستند.

درس ۷ امامیه

سوال ۱. تفاوت امامیه با دیگر فرق در چگونگی پیدایش چیست؟

معنای لغوی امام و شیعه متمم یکدیگرند ، شیعه به معنی پیروان است و امام کسی است از او پیروی می شود

امامیه یا شیعه اثنی عشریه اصطلاحاً به کسانی گفته می شود که گذشته از اعتقاد به امامت بالفصل علی علیه

السلام پس از او حسین بن علی علیه السلام و حسین بن علی علیه السلام و نه فرزند ایشان که آخرین آنها مهدی

موعود عج است به امامت می پذیرند. فرق اسلامی ، چون معتزله ، اشاعره ، خوارج و مرجئه ، غالباً در واکنش

به حوادث اعتقادی و سیاسی برخی دوره ها و به صورت انفعالی پیدا می شدند ولی پیدایش امامیه این گونه

نبوده است . جانشینان پیامبر صل الله علیه و آله از زمان خود حضرت ، دست کم برای عده ای از اصحاب مشخص بودند که از علوم و اسرار پیامبر بهره خاص گرفته بودند و این علوم و اسرار سینه به سینه در آنها انتقال

پیدا کرده بود ، لکن به جهت اختناق موجود در بعضی دوره ها فرصت بروز و ظهور به صورت گروهی منسجم

را نیافتند تا اینکه امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام با اندک فرصتی که یافتند توانستند در کنار فقه شیعه ، کلام امامیه را هم بنیان نهند و متکلمان برجسته ای را تربیت کنند

سوال ۲. تفاوت روش کلامی امامیه با روش کلامی معتزله و اشاعره چیست ؟

کلام امامیه نه با عقل گریزی اصحاب حدیث و حنابله موافق بود و نه با عقل گرایی افراطی معتزله همراهی داشت چه اینکه با جمودگرایی اشعری و نادیده گرفتن نقش تعقل در کشف عقاید سرآشتی نداشت . منابع

معارف شیعه عبارت بودند از قرآن سنت پیامبر و اهل بیت و همچنین عقل . متکلمان امامیه گذشته از استفاده از مستقلات عقلی ، با اجتهاد عقلی معارف قرآن و سنت را استنباط می کردند و به جدال احسن با مخالفان می پرداختند .

سوال ۳ . اصول دین امامیه را بنویسید و در هر مورد تفاوت امامیه با دیگر فرق را ذکر کنید .

پنج اصل توحید ، عدل ، نبوت ، امامت و معاد به عنوان اصول عقاید امامیه معرفی شده است . دو اصل توحید

و عدل در این میان اهمیت بیشتری دارد .
توحید: اصل توحید ذاتی میان همه مسلمانان مشترک
است .

توحید صفاتی ← اشاعره: صفات را زائد بر ذات میدانند
. معتزله: منکر صفات خداوند هستند یا به نیابت ذات از
صفات معتقدند بیشتر معتزله در توحید صفاتی قائل به
عینیت صفات با ذاتند مثل نظریه امامیه . امامیه: این
نظریات را مردود، و صفات خدا را عین ذات میدانند .

توحید افعالی ← اشاعره: انحصار فاعلیت در خدا
معتزله: فاعلیت مستقل انسان در افعال خود
امامیه: انسان در افعال خود موثر است و قدرت و تاثیر
او در طول فاعلیت خداست

عدل: اشاعره ← خداوند هر کاری انجام دهد عین عدل
است چون مالک تمام هستی است .

امامیه ← برخی افعال ذاتا قبیح است و از خداوند
سرنمیزند .

معتزله ← نظر معتزله در مورد عدل مثل امامیه است .

اصل امامت هم مختص امامیه بوده که آنها را از بقیه
و حتی معتزله جدا نموده است.

سوال ۴. تفاوت نظریه امامیه در مورد رؤیت الهی با
دیگر فرق چیست؟

امامیه معتقد است خدای متعال به هیچ صورت در دنیا
و آخرت با چشم قابل رؤیت نیست. البته رؤیت قلبی
که در روایات آمده نه تنها مردود نیست بلکه عالی
ترین نوع معرفت آدمی نسبت به خداوند

است و چه بسا که این رؤیت در همین دنیا هم میسر
باشد.

معتزله: بانظریه عقل گرایی خاصش نظرش مثل
امامیه است.

اشاعره: خداوند دیده میشود اما نه مثل دیدن
سایر اجسام

اهل حدیث: خداوند هم در دنیا هم آخرت با چشم سر دیده
میشود.

سوال ۵. کلام امامیه چند مرحله را پیموده و در هر مرحله وضعیت آن چگونه بوده است.

کلام شیعه در سه مرحله متوالی ، به تدریج بر جنبه عقلانی آن افزوده شد و به علوم فلسفی نزدیکتر شد .
در

دوره نخست تاءکید بیشتر بر نصوص دینی و کلام ائمه بود و عقل در خدمت تبیین معارف وحی و دفاع از

حقانیت و عقلانیت آن بود . در دوره دوم مایه های عقلانی کلام شیعه افزایش یافت . در نهایت با ظهور خواجه

طوسی کلام شیعه با فلسفه مشاء در آمیخت . کلام شیعه در قرنهای اخیر هم شاهد گرایشهای نص گرایانه و

عقل گرایی معتدل بوده است و این رویارویی همچنان ادامه دارد .

درس ۸ زیدیه:

سوال 1-ارتباط میان زیدوزیدیه چیست؟

زیدفرزند امام سجاده ع. برضد هشام بن عبدالملک حاکم اموی قیام کرد و به شهادت رسید. او مدعی امامت نبود و به امامت پدر برادر و پسر برادرش اعتقاد داشت و بارضایت آنها و انگیزه انتقام خون امام حسین ع. امر به معروف و نهی از منکر و اصلاح امور امت و تشکیل حکومت و واگذاری آن به امامان معصوم ع. قیام کرد زیدیه گمان کردند میان زید و امام سجاده ع. اختلاف است در نتیجه باین اعتقاد که امام باید قیام کند زید را امام دانسته منکر امامت امام صادق ع. شدند

سوال 2. مهمترین تفاوت‌های زیدیه با امامیه در مسأله امامت چیست؟

2. تفاوت زیدیه با امامیه در مسأله امامت در دو نکته اساسی است. یکی اینکه امامیه به دوازده امام منصوص و تعیین شده از سوی خدا و پیامبر ص. قایل اند در حالی که زیدیه به سه امام منصوص معتقدند.

۲- زیدیه شرط امام را مبارزه مسلحانه میدانند در صورتیکه امامیه به چنین شرطی اعتقاد ندارند

3. نظر فرقه های زیدیه درباره خلافت ابوبکر و عمر چیست؟

فرقه هایی از زیدیه خلافت ابوبکر و عمر را مشروع میدانند و دلیلشان جواز خلافت مفضول با وجود افضل است. اما این اعتقاد را نمیتوان به زید نسبت داد و جملاتی هم که از زید در برخی کتب فرق نقل شده تنها تفاوت دو خلیفه را بابتی امیه نشان میدهد. به عقیده زیدیه تنها سه امام نخست امامیه از جانب پیامبر به امامتشان تصریح شده.

4. آیا سلیمانیه را باید جز زیدیه دانست یا اهل سنت؟ چرا؟
در پاسخ دو دلیل میتوان مطرح کرد 1. این فرقه مانند دیگر فرق زیدیه، تقیه را جایز نمیدانند و قیام و جهاد علنی با ستمگران را واجب می شمارند. 2. چون به زید نسبت داده شده که به امامت مفضول با وجود افضل معتقد بوده است و سلیمانیه نیز چنین اعتقادی دارند و بنابر این آن ها را زیدی دانسته اند.

درس ۹ اسماعیلیه

۱ - فرقه اسماعیلیه از کجا پیدا شدند و چه ویژگی مهمی دارند ؟

اسماعیلیه فرقه ای هستند که به امامت شش امام اول شیعیان معتقد بودند. اما پس از امام صادق فرزند او را به نام اسماعیل یا فرزند اسماعیل، محمد را به امامت می پذیرند یعنی به هفت امام قائل اند و لذا سبعه هم نامیده می شوند و برخی دیگر از اسماعیلیه به امامان 7 گانه دیگر غیر از 7 امام مذکور قائل اند. مهمترین ویژگی اسماعیلی باطنی گری و تأویل آیات و احادیث و معارف و احکام اسلامی است و در این راه از آرای فلاسفه یونان هم سود می جستند به اعتقاد همه فرق اسلامی آنها در تحویل دین افراط کردند.

۲ - اسماعیلیان به چه فرقه هایی بعدا منشعب شدند؟

گروهی از اسماعیلیان منکر مرگ اسماعیل شدند و او را امام قائم دانستند که اسماعیلی خالصه نامیده شده اند .

گروه دیگری مرگ او را پذیرفته و فرزندش محمد را امام دانستند که مبارکیه نام دارند اینها پس از مدتی به

دو فرقه منشعب شدند، برخی مرگ محمد را پذیرفته و سلسله ائمه را در فرزندان او ادامه دادند و برخی هم منکر مرگ او بودند و او را امام قائم می‌پنداشتند اینان قرامطه نامیده شده اند.

۳- فاطمیان چه گروهی هستند و چه اعتقاداتی دارند؟
فاطمیان از همان گروه از اسماعیلیه اند که امامت را در فرزندان محمد بن اسماعیل جاری می‌دانند آنها امامان را به دو قسمت ظاهر و مستور تقسیم می‌کنند که پس از هفت امام نخست نوبت به امامان مستور می‌رسد که به طور مخفیانه مردم را به آیین اسماعیلی دعوت می‌کردند آخرین امام در سلسله امامان مستور المهدی بالله است که امامت خود را آشکار کرد و دوره امامان ظاهر فرارسید. المهدی حکومت فاطمیان را در مغرب تاسیس کرد.

۴- اسماعیلیان چه درجاتی برای امامت قائلند؟

۱- امام مقیم که بالاترین درجه است ۲- امام اساس که کارهای رسول ناطق را ادامه می‌دهد ۳- امام مستقر، امامی است که امام پس از خود را تعیین میکند

۴- امام مستودع یا نائب الامام که شوون امامت را اجرا میکند.

۵-- قرامطه چه گروهی هستند و عقایدشان چیست؟

قرامطه پیروان قرمط اند و از فرقه مبارکیه منشعب شده اند اینها بیش از دیگر فرق اسماعیلیه به باطنی گری و ضدیت با عقاید قطعی مسلمانان مبادرت می کردند به نحوی که نمی شود آنها را فرقه اسلامی نامید. قرامطه به ۷ پیامبر اولوالعزم معتقدند و همه احکام قرآن و سنت را دارای باطن و ظاهری می دانند و عمل به ظاهر را سبب گمراهی می شمارند.

درس ۱۰ معتزله

۱- نظرات معتزله سیاسی و کلامی چیست؟

نام معتزله اولین بار بربیک گروه سیاسی اطلاق شد. پس از آنکه امام علی علیه السلام به خلافت رسید، برخی از ایشان کناره گیری کرده، نه با ایشان جنگیدند و نه در جنگها حمایت و همراهیشان کردند. این افراد را به جهت کناره گیری آنان از امام و امت اسلامی معتزله

نامیدند. برخی معتزله سیاسی راکناره گیران از امام حسن علیه السلام و معاویه دانسته اند.

گروه دیگری که به معتزله معروف شدند، عده ای از متکلمان به پیشوایی واصل بن عطا بودند. این گروه همان معتزله معروف هستند و بحث مادر باره آنان است. درباره نامگذاری آنان برخی معتقدند که این نام برخاسته از اعتزال و کناره گیری واصل بن عطا از مجلس درس حسن بصری است. برخی دیگر هم علت را اعتزال او از امت اسلام و مذاهب اسلامی زمان او میدانند.

در هر دو صورت، این نکته مسلم است که اعتزال واصل درباره ایمان و کفر مرتکب کبیره بوده.

به اعتقاد معتزله، کلام الهی مخلوق و حادث است و اعتقاد به قدیم بودن قرآن کفر است. در مقابل، تمام اصحاب حدیث و عامه اهل سنت، به قدیم بودن قرآن اعتقاد داشتند.

۲- جایگاه عقل در تفکر معتزلی چیست؟ به نظر شما عقل چه موقعیتی در نظام اعتقادی باید داشته باشد؟

در اندیشه معتزله، عقل و احکام عقلی نقش اساسی و تعیین کننده در کشف و استنباط عقاید دینی و نیز اثبات و دفاع از این عقاید بر عهده دارد. در این روش هر

مسئله ای را باید بر خرد عرضه کرد و تنها با یافتن توجیهی عقلانی برای آن قابل پذیرش خواهد بود. مبنا و اساس این مکتب بر آن است که همه معارف اعتقادی معقول است و جایی برای تعبد در عقاید وجود ندارد. معتزله مانند دیگر متکلمان به نقل نیز رجوع می‌کردند اما مفاد و محتوای نصوص دینی تنها در صورت توافق با عقل قابل قبول بود در غیر این صورت به تعدیل و توجیه نصوص می‌پرداختند. به سخن دیگر، نقش نقل در مکتب اعتزال، تایید و ارشاد به حکم عقل است و خود به تنهایی منبع مستقلی محسوب نمی‌شود. معمولاً این مبنا در قالب قاعده معروف معتزله "الفکر قبل ورود السمع" بیان می‌شود. برخی از معتزله تا آنجا پیش رفتند که همه واجبات را عقلی دانسته و بر آن شدند که عقل حسن و قبح همه افعال را درک می‌کند. زیاده‌روی معتزله در عقل‌گرایی عمدتاً به این سبب بود که آنان در صف مقدم جدال و پیکار عقلی با زنادقه و مخالفان دین قرار داشتند و دائماً با آنان مناظره می‌کردند، از این رو برای تحکیم عقاید دینی به وسیله ادله عقلی عرضه اصول اسلامی به گونه ای که مورد پسند همگان قرار گیرد، تلاش بسیار کردند. این کار به تدریج موجب شد تا آنان روشی را که در مقام دفاع به

کار می‌گرفتند، به مقام استتباط و استخراج معارف دینی نیز سرایت دهند و نقش اصلی و تاسیسی را به عقل و مبادی عقلانی واگذار کنند.

از نظر ما عقل به اندازه ای قابل اعتناست که به تعطیلی وادی نقل نیانجامد و در واقع عقل و نقل موجب تایید مستدرکات یکدیگر شوند.

۳- توحید خاص معتزله و تفاسیر آنان در این زمینه را بیان کنید.


توحید و مراتب و معانی گوناگونی دارد که مهمتر از همه توحید ذاتی، توحید صفاتی و توحید افعالی است. توحید ذاتی، به این معنا است که ذات پروردگار یگانه است و مثل و مانندی ندارد. توحید ذاتی مورد قبول همه فرقه‌های اسلامی است اما درباره توحید صفاتی و توحید افعالی در میان متکلمان اختلاف نظر جدی وجود دارد. معتزله بر خلاف اشاعره معتقد به توحید صفاتی و منکر توحید افعالی اند.

شهرستانی درباره اعتقاد معتزله به توحید صفاتی می‌گوید: این سخن در آغاز ناپخته بود و واصل بن عطا در اثبات دیدگاه خود به این استدلال ساده اکتفا می‌کرد

که لازمه اثبات صفات قدیم برای خدا تعدد خدایان است (یعنی لازمه پذیرفتن توحید ذاتی توحید صفاتی است). بعدها پیروان واصل عقیده او را توضیح دادند به این صورت که معنای توحید صفاتی، انکار مطلق صفات نیست، بلکه مراد انکار صفات زائد بر ذات الهی و در نتیجه عینیت همه صفات با ذات اوست.

در واقع معتزله با این نظریه در صد ردّ اعتقاد اصحاب حدیث مبنی بر اثبات صفات زائد بر ذات بودند. اگرچه انکار این نوع صفات مورد اتفاق معتزله بود، اما در فروع و جزئیات این مسئله تفاسیر مختلفی از سوی معتزلیان مطرح شده.

۴- چه تفاوت‌هایی میان اصول اعتقادی معتزلی و عقاید شیعه وجود دارد؟ تحلیل کنید.

۱) توحید  توحید ذاتی: که مورد قبول تمام فرقه‌های اسلامی است. توحید صفاتی: معتزله منکر توحید صفاتی و افعال است. شیعه صفات خدا را عین ذات او میداند و تاثیرگذاری و فاعلیت انسان را در طول فاعلیت خدا میداند.


۲) عدل ← هیچیک از فرق اسلامی منکر عدل به عنوان یکی از صفات الهی نیست. اختلاف بیشتر در تفسیر این مفهوم است. تفسیر معتزله بر اساس بینشی است که درباره حسن و قبح اعمال دارند و عقل آدمی قادر است این حسن و قبح را دریابد.

شیعه هم معتقد به منزه بودن خدا از ارتکاب افعال قبیح است.

۳) منزله بین المنزلتین ← معتزله در مقابل خوارج و مرجئه معتقدند که مرتکب کبیره نه کافر است نه مومن بلکه منزلت و مقامی بین کفر و ایمان دارد. شیعه این نظریه رو رد میکند زیرا شیعه معتقد به عقل و هم نقل است.

۴) و وعده و وعید ← معتزله معتقد است که خدا همانطور که خلف وعده نمیکند، خلف وعیده هم از او سر نمیزند تمام کیفرهایی که در آیات و روایات آمده در قیامت رخ میدهد و محال است که خدا آنها را ببخشد مگر آنکه در دنیا توبه کرده باشند.

انها عقل گرای افراطی هستند و تاکید بر عقل دارند. اما شیعه در کنار مباحث عقلی، به نقل هم میپردازد.

۵) امر به معروف و نهی از منکر  این اصل مورد قبول همه مسلمین است و اختلاف در مراتب و شرایط آن است. معتزله برای آن شروطی مثل احتمال تاثیر و عدم مفسده قائل اند و آن را محدود به زبان و قلب میدانند.

خوارج برای امر به معروف و نهی از منکر شرط و حدی نمی‌شناسند اما اصحاب حدیث مثل احمد بن حنبل آن را در متن قلب و زبان می‌پذیرند نه در محدوده عمل و قیام مسلحانه معتزله برای امر به معروف و نهی از منکر مشروطی مثل احتمال تاثیر و عدم مفسده قائلند و آن را به قلب و زبان محدود نمی‌کنند از پنج اصل، معتزله تنها دو اصل که توحید و عدل از اصول مهم اعتقادی است. اما دو اصل دیگر وعد و وعید و منزله بین المنزلتین از فروع اعتقادی به حساب می‌آید و امر به معروف و نهی از منکر جزء تکالیف عملی است.

درس ۱۱ اهل حدیث

1. چگونگی پیدایش اهل حدیث را بنویسید.

جریان اهل حدیث در اصل یک جریان فقهی و اجتهادی بود به طور کلی فقیهان اهل سنت از نظر روش و شیوه به دو دسته کلی تقسیم می‌شود. گروهی که مرکز آنان عراق بود و دریافتن حکم شرعی افزون بر قرآن و سنت از عقل نیز به گسترده ترین معانی آن استفاده می‌کردند آنها قیاس را در فقه معتبر می‌شمردند و حتی در برخی موارد آن را بر نقل مقدم می‌داشتند به این گروه اصحاب رای می‌گفتند در آنها ابوحنیفه قرار داشت گروه دیگر که مرکز آنان سرزمین حجاز بود تنها بر ظواهر قرآن و حدیث تکیه می‌کردند و عقل را به طور مطلق انکار می‌کردند اینان به اهل حدیث یا اصحاب حدیث مشهورند در راس آنها مالک بن انس و محمد بن ادریس شافعی و احمد بن حنبل قرار داشت

2. دیدگاه اهل حدیث درباره عقل چیست؟

اهل حدیث شیوه فقهی خود را در عقاید به کار می‌گرفت و آنها را تنها از ظواهر قرآن و احادیث اخذ می‌کردند آنان نه تنها عقل را به عنوان یک منبع مستقل برای استنباط عقاید قبول نداشتند بلکه مخالف هر گونه بحث عقلی پیرامون احادیث اعتقادی بودند. این گروه هم

منکر کلام عقلی بودند که در آن عقل منبع مستقل عقاید است و هم مخالف کلام نقلی بودند که در آن عقل لوازم عقلی نقل را استنباط می‌کند آنها حتی نقش دفاع از عقاید دینی را نیز برای عقل نمی‌پذیرفتند

3. اعتقادات احمدبن حنبل چیست؟

الف) ایمان، قول- عمل و نیت است و قابل ازدیاد و نقصان است و در آن استثنا وجود دارد. ب) هرچه در جهان رخ می‌دهد به قضا و قدر الهی است انسان در هیچ فعلی از خود اختیاری ندارد. ج) جهاد، نماز جمعه و عیدین و حج تنها همراه با امام پذیرفته است. د) تکفیر مسلمان به خاطر گناه جایز نیست. ه) قران کلام خداست و مخلوق نیست.

درس ۱۲ اشاعره

۱- تفاوت اشاعره با اهل حدیث و معتزله درباره عقل چیست؟

معتزله معتقد بود عقل مستقل در مسائل اعتقادی است ولی اهل حدیث هر نقلی را بدون تفکر می پذیرند پس عقل در میان اهل حدیث نقشی نداشت و معتزله در مسئله عقل افراط می کرد ولی اهل حدیث تفریط می کردند. اشاعره دنبال راهی معتدل و میانه بین این دو گروه بود. پس نقل را اصالت داد و عقل را تبیین گر و مدافعه گر معرفی کرد.

۲- ارتباط آراء اشعری با عقاید معتزله و اهل حدیث چیست؟ با مثال توضیح دهید.

اشعری از یکسو، یگانه منبع عقاید را کتاب و سنت معرفی کرد و از این جهت با معتزله از در مخالفت درآمد و به اهل حدیث گرایید؛ اما برخلاف اهل حدیث نه تنها بحث و استدلال در تبیین و دفاع از عقاید دینی را جایز می شمرد، بلکه آن را عملاً به کار بست.

اشاعره در واقع به حد وسط بین اهل حدیث و معتزله قائل بود مثلاً در صفات خبریه اهل حدیث معتقد بودند که خداوند مانند همه مخلوقات است یعنی قائل به تشبیه بودند و معتزله معتقد بودند خداوند از تشبیه به مخلوقات منزّه است و صفاتی مثل داشتن دست و پا را

برای خدا جایز نمیدانستند. اشاعره نظریه اصحاب حدیث را پذیرفت از سوی دیگر قید بلا تشبیه و بلا تکلیف را اضافه کردند یعنی خدا دو دست دارد ولی بدون کیفیت .

۳ - کسب چیست و چرا و از سوی چه کسانی مطرح شده است آیا نظریه کسب جبر را رد می‌کند؟

کسب یعنی همراهی و مقارنت خلق فعل با خلق قدرت حادث در انسان. مثلاً راه رفتن انسان. خداوند این فعل را یعنی راه رفتن را خلق کرده و همزمان قدرت حادثی را در شخص ایجاد می‌کند تا احساس کند که فعل را بی اختیار خویش انجام داده. کسب واژه قرآنی است که در آیات متعدد به انسان نسبت داده شده برخی از متکلمان اشعری از این کلمه سود بردند البته قبل از اشاعره ، متکلمان دیگر هم در این باب سخن می‌گفتند اما پس از اشاعره واژه کسب با نام او پیوند خورده که بی اختیار نام اشعری را با نظریه کسب پیوند خورده. نظریه کسب جبر را رد نمی‌کند بلکه در افعال اختیاری منجر به جبران می‌شود.

۴ - نظریه اشاعره در مورد کلام الهی چیست؟

اشاعره کلام رابه دو دسته : کلام لفظی و نفسی تقسیم کردند.

لفظی ؛ همان اصوات و حروف است که در اینباره او حق را به معتزله داده و کلام لفظی را حادث شمرده است . کلام نفسی ؛ مانند اهل حدیث، کلام خدا را قائم به ذات و قدیم دانست . کلام حقیقی همان کلام نفسی است که قائم به نفس است و توسط الفاظ بیان می شود. در حالیکه کلام لفظی قابل تغییر و تبدیل است.

درس ۱۳ ماتریدیه

سوال ۱ : مکتب ماتریدی با چه انگیزه‌ای تاسیس شد و تفاوت ماتریدی با طحاوی چیست؟

مکتب ماتریدی با انگیزه دفاع از عقاید دینی و رد معتزله و در عمل به دنبال ارائه راهی میانه دو مکتب اهل حدیث و معتزله پا به عرصه وجود نهاد .

ماتریدی پیرو مذهب حنفی بودند در عقاید مدعی بودند که اصول عقاید ابوحنیفه را تبیین و تشریح می‌کنند

تفاوت طحاوی و ماتریدی در این بود که ماتریدی بیش از طحاوی به اجتهاد و استدلال می‌پرداخت و سعی می‌کرد بر اساس اصول و مبانی ابوحنیفه به اجتهاد عقاید بپردازد و نکته‌های نو و تازه‌ای پدید آورد هر چند ماتریدی در کلام و عقاید خود اهل اجتهاد بود اما سعی می‌کرد در روش و اصول از ابوحنیفه پیروی کند اما غرض طحاوی ارائه تلخیصی از آرای ابوحنیفه و بیان موافقت آن با عقل و نقل بود.

سوال ۲: ارتباط ماتریدیه با معتزله اهل حدیث و اشاعره چیست؟

ماتریدی مانند مقتدای خویش عقل را به عنوان سرچشمه‌ای برای عقاید دینی پذیرفت بنابراین درحالی‌که اشعری از عقل صرفاً در مقام تبیین و دفاع از عقاید دینی استفاده می‌کرد، ماتریدی گذشته از این موارد در مقام کشف و دریافت اصول نیز به عقل توسل می‌جست. همین تفاوت روش شناختی است که این دو مکتب را از هم متمایز می‌کند.

ماتریدیه در آرای دیگری مانند کلام الهی با اشعری توافق دارد. او از نظر فقهی پیرو ابو حنیفه بود و تفاوت او با اشعری از همین جا آغاز می شود و ابو حنیفه بر خلاف شافعی و دیگران از عقل در عقاید کمک می گرفت همچنان که اشعری در میانه اهل حدیث و معتزله قرار دارد. ماتریدیه

را می توان حد میانی اشعری و معتزله تلقی نمود.

سوال ۳: عقاید مهم ماتریدی کدام است؟

الف) اشعری منکر حسن و قبح عقلی بود و ماتریدی آن را می پذیرد.

ب) ماتریدی برخلاف اشعری تکلیف مالایطاق را قبول ندارد.

ج) ماتریدی همچون اشعری انسان را کاسب عمل می داند اما کسب ماتریدی به معنای ایجاد اراده از سوی انسان است نه مقارنت اراده با فعل خارجی

د) ماتریدی رویت خدا را ممکن می داند لکن بر خلاف اشعری در این زمینه دلیل عقلی ارائه نمی دهد و به دلایل نقلی بسنده می کند.

درس ۱۴ وهابیت

۱. عقاید ابن تیمیه ادامه تفکر کدام فرقه محسوب می شود و حاوی چه مطالب جدیدی است؟

اهل حدیث و درراس آنها احمد بن حنبل تنهابه جمع آوری احادیث می پرداختند و مخالف هرگونه تعقل و تکلم پیرامون آیات و احادیث اعتقادی بودند پس از آنکه به ظهور اشعری، روش معتدل تری در دفاع از معارف دینی به کار گرفته شد و طریقه اصل حدیث و احمد بن حنبل متروک شد، در قرن هشتم، احمد بن تیمیه حرانی ظهور کرد و در صدد ترویج مذهب حنابله بر

آمد . او بار دیگر علم کلام را مردود اعلام نمود و هر گونه تاعویل و توجیه عقلانی را در مسأله صفات الهی محکوم کرد . ابن تیمیه علاوه بر حمایت از روش و عقاید اهل حدیث ، عقاید جدیدی مانند شرک دانستن زیارت قبور پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه و رد فضایل اهل بیت ، اضافه نمود .

سوال ۲. فرقه وهابیت از کجا آغاز شد و چگونه توسعه پیدا کرد ؟ نحوه مقابله وهابیون با مخالفانشان چگونه بود ؟ چه شباهتهایی میان این فرقه و خوارج وجود دارد ؟

بسیاری از بزرگان اهل سنت با ابن تیمیه به مخالفت برخاستند و کتابهای متعددی در رد او نوشته شد تا اینکه در قرن دوازدهم محمد بن عبدالوهاب ظهور کرد و حمایت جدی از ابن تیمیه را آغاز نمود . و از آنجا که امیر آل سعود از او حمایت کرد ، عبدالوهاب قدرتی یافت و با استفاده از قدرت به دست آمده به تبلیغ آیین خود و قتل مخالفان پرداخت تا اینکه با تسلط آل سعود بر عربستان ، وهابیت به عنوان مذهب رسمی عربستان اعلام شد . وهابیان همانند خوارج در تکفیر

مخالفان ، بر اساس تلقی خاصشان از توحید ، بسیاری از آداب اسلامی را شرک و کفر می دانند ، از جمله توسل به اولیای الهی و طلب شفاعت از آنان ، تبرک و استشفاء به آثار آنها ، تعمیر و زیارت قبور اولیای الهی و ساختن مسجد در کنار قبور.

سوال ۳. عقاید وهابیت کدام است ؟ آنها را نقد کنید.

اگر بخواهیم عقاید وهابیان را بیان کنیم

بیشتر باید بر نفی و انکار آنها تاکید کنیم به دیگر سخن عقاید آنها عمدتاً نفی عقاید و اعمال دیگر مسلمانان و اتهام شرک به دیگران است. از جمله مواردی که وهابیان آنها را شرک می دانند؛ توسل به اولیای الهی و طلب شفاعت از آنان، سفر به قصد زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت ، تبرک و استشفاء به آثار اولیای خدا، تعمیر و زیارت قبور اولیای الهی و ساختن مسجد در کنار قبور و نذر بر اهل قبور، خداوند را به حق و مقام اولیایش سوگند دادن و اعتقاد به سلطه غیبی آنها.

وهابیان همه این موارد به دلیل مخالفت با توحید انکار می کنند البته توحید مورد نظر وهابیان توحید عبادی

است بر اساس توحید عبادی کلمه لا اله الا الله بیانگر آن است که تنها موجودی که باید عبادت و پرستش شود الله تبارک و تعالی می باشد و عبادت او شرکت می باشد. طبعاً این آموزه دینی مورد پذیرش همه مسلمانان بلکه همه موحدان و مومنان است. اگر محمد بن عبدالوهاب خود را مانند احمد بن حنبل پیرو اهل حدیث می داند و ظواهر احادیث را می پذیرد باید گفت: توسل و طلب شفاعت در منابع معتبر اهل سنت و در احادیث متعدد وارد شده است و یا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خود به توسل و طلب به شفاعت امر کرده اند پس چگونه است که ایشان کاری را که پیامبر و اهل بیت او به آن عمل کرده اند شرک و کفر می داند؟؟!

● اما درباره مشرکان زمان پیامبر هم باید گفت: که میان توسل و طلب شفاعت مشرکان با مومنان تفاوت اساسی وجود دارد. مشرکان به اشیا می توسل می جویند که هیچ خاصیتی ندارند و اینگونه توسل از سوی خداوند نهی شده است در حالی که خداوند به اولیای خویش مقام محمود شفاعت را عطا کرده است و آنها به اراده خداوند به چنین مقامی دست یافته اند.

درس ۱۵ دروزیه

سوال ۱. به چه کسانی غلات می گویند . چرا ؟

غلو در لغت به معنای تجاوز کردن از حد و افراط کردن در چیزی است.

در علم فرق و مذاهب به گروههایی غالی گفته می شود که انسانی را به درجه خدایی یا غیر پیامبری را به درجه پیامبری رسانیده باشند . اکثر فرقه های غالی مذکور در کتب ملل و نحل منقرض شده اند و تنها فرقه هایی که هم اکنون وجود خارجی دارند عبارت اند از : دروزیه ، اهل الحق و نصیریه ، شیخیه ، بابیه و بهائیه .

سوال ۲. فرقه دروزی چگونه پیدا شد . ارکان سازمان دروزی چیست ؟

دروزی به کسانی گفته می شود که الحاکم بامرالله خلیفه ششم فاطمی را به درجه خدایی رساندند . این فرقه در مصر پدید آمد و در سوریه رشد کرد و هم اکنون پیروانش در کشورهای سوریه و لبنان زندگی می کنند . مشهور است که موسس این فرقه فردی به نام دروزی بوده است که ایرانی الاصل و دارای مذهب

اسماعیلی بود که با کمک حمزه بن علی مذهب دروزی را ادامه داد.

حمزه سازمانی تاعسیس کرد که اصول عقاید دروزی را شکل دهد. ارکان این سازمان عبارت بودند از الف: عقل (خود حمزه)

ب: نفس یا روح کلی (اسماعیل بن محمد تمیمیه)

ج: کلمه (محمد بن وهاب)

د: مقدم یا پیش رو

ز: تالی یا پیرو

پس از اینها مبلغین و ماذونین و مکاسرین و سپس معتقدان عامه قرار می گیرند.

سوال ۳. تلقی رئیس فعلی این فرقه در مورد آن چیست ؟

شیخ مرسل نصر ، رئیس مذهبی فرقه دروزی در زمان حاضر ، این فرقه را به عنوان فرقه ای اسلامی ، معتقد به خدا و پیامبر و قرآن و امامت امامان معصوم تا امام صادق علیه السلام سپس اسماعیل فرزندش و بعد امامان فاطمی تا الحاکم معرفی می کند . تفاوت دروزیان با فاطمیان در این است که فاطمیان پس از الحاکم به

امامت الظاهر و المستتصر و معتقد شدند ولی
دروزیان غیبت الحاکم را باور می کردند .

درس ۱۶ اهل حق و نصیریه

سوال ۱. اهل حق به چه کسانی می گویند و به چه
نامهای دیگر خوانده می شوند؟

اهل حق ، علی الهی ، غلات ، نصیریه و . . . نامهایی
است برای افراد و گروههایی که در مورد امام علی
علیه السلام راه غلو را پیموده و او را به درجه خدایی
رسانده اند و برای خود آداب و رسوم خاصی وضع
کرده اند.

گروههای مختلف اهل حق ، عقاید مختلف دارند . برخی
صریحا امام علی را خدا می دانند ، برخی شیطان را
تقدیس میکنند و مخالف طهارت و عبادتند و برخی
عقاید خود را با امامیه هماهنگ می سازند.

سوال ۲. اهل حق چه آداب و مراسم و عقاید خاصی
دارند ؟

آداب اهل حق ← *سر سپردگی به یکی از خاندانهای یازده گانه *سه روز روزه * مراسم جمخانه * نیاز دادن و قربانی کردن از دیگر آداب آنهاست . به نظر آنها با این اعمال نماز و دیگر عبادات اسلامی ساقط می شود.

عقاید اهل حق ← اعتقاد به الوهیت امام علی علیه السلام و غلو در مقام ایشان . برخی از اهل حق همان اعتقادی که درباره حضرت علی علیه السلام دارند در مورد برخی بزرگان خود هم دارند و معتقدند خداوند در جامه های مختلف به میان مردم آمده است که از جمله آنها جامه علی - شاه خوشین ، به حلول خدا در اشیاء و افراد و همچنین تناسخ قائل اند که مطابق آن پس از مرگ ، روح افراد وارد بدن دیگران میشوند .

سوال ۳ . فرقه نصیریه دارای چه عقایدی است و چه نسبتی با امامیه دارند ؟

درباره فرقه نصیریه مطالب مختلفی گفته شده است . شهرستانی می گوید آنها امامان معصوم را خدا می دانند . نوبختی از محمد بن نصیر نمیرم نام می برد که به ده امام معتقد بود و درباره امام یازدهم غلو کرد . ولی علوین که در سوریه هستند لفظ نصیریه را مربوط

به قرن ششم می دانند که با پیروان نمیری تفاوت دارد . علویون خود را شیعه امامی می دانند و عقاید امامیه را قبول دارند و غلو درباره ائمه در میان برخی علویان راناشی از جهل آنها و دوری از علما می دانند .

درس ۱۷ شیخیه

سوال ۱ . فرقه شیخیه توسط چه کسی و چگونه پیدا شد ؟

به پیروان شیخ احمد احسائی شیخیه گفته می شود . او علاوه بر فقه و اصول و حدیث در علوم ریاضی و طب و نجوم و ... هم مطالعاتی داشته است و به واسطه برخی از دیدگاههایش از سوی عده ای از علما با وی مخالفت شد و حتی مورد تکفیر قرار گرفت .

سوال ۲ . مبانی اصلی این فرقه چیست و چرا رهبر آن تکفیر شد ؟

مبنای اصلی احسائی در کسب معارف این است که همه علوم و معارف در نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و

اهل بیت علیهم السلام می باشد و تنها راه کشف معارف
توسل به آنان است و عقل مستقلا قادر به درک حقایق
نیست . معروفترین راعی او درباره کیفیت معاد
جسمانی است . او اصل معاد جسمانی را که مورد
تأکید آیات و روایات است با تفسیر خاصی از جسم
می پذیرد . این راعی او با مخالفتهایی روبرو شده
است .

سوال ۳. تفاوت‌های شیخیه کرمان و آذربایجان چیست ؟
شیخیه کرمان و آذربایجان در اعتقادات خود را پیرو
آرای شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی می دانند
اما در فروع دین و اعمال با یکدیگر اختلاف نظر دارند
. کرمانی ها از شیوه اخباری گری پیروی می کنند و
به تقلید از مراجع اعتقاد ندارند ، اما شیخیه آذربایجان
به اجتهاد و تقلید معتقدند و از مراجع تقلید خودشان
پیروی می کنند ، البته در عقاید نیز شیخیه آذربایجان
برخلاف شیخیه کرمان ، خود نیز به اجتهاد می پردازند
و آرای شیخ احمد و سید کاظم را بر اساس تلقی خویش
از احادیث تفسیر می کنند. از دیگر اختلافات کرمانی
ها و آذربایجانی ها مسأله رکن رابع است . شیخیه

کرمان اصول دین را چهار اصل توحید ، نبوت ، امامت و رکن رابع می دانند . مراد آنها از رکن رابع ، شیعه کامل است که واسطه میان شیعیان و امام غایب می باشد. اما شیخیه آذربایجان به شدت منکر اعتقاد به رکن رابع هستند . و اصول دین را پنج اصل توحید ، نبوت ، معاد ، عدل و امامت می دانند . آنان چنین استدلال می کنند که شیخ احمد احسائی در ابتدای رساله حیوه النفس و سید کاظم رشتی در رساله اصول عقاید ، اصول دین را پنج اصل مذکور می دانند و در هیچ یک از کتب و رسائل این دو نفر نامی از رکن رابع برده نشده است .

درس ۱۸ بابیه و بهائیه

سوال ۱ . فرقه بابیه چگونه و توسط چه کسی پیدا شد ؟

بنیان گذار فرقه بابیه ، سید علی محمد شیرازی است . او چون در ابتدا مدعی باب بودن (دروازه ارتباط) با امام زمان علیه السلام بود ملقب به باب شد و پیروانش ((بابیه)) نامیده شدند . او از ابتدا با شیخیه

آشنا شد و از این طریق راهی به مسائل عرفانی و تفسیر آیات و احادیث یافت.

سوال ۲. نحوه پیدایش فرقه بهائیه چگونه بوده است و بهاء الله چه ادعاهایی اظهار کرده بود؟

فرقه بهائیه منشعب از فرقه بابیه است. بنیان گذار آیین بهائیت، میرزا حسینعلی نوری معروف به بهاءالله است. او از پیروان و مبلغان باب بود. برادر کوچکتری هم به نام میرزا محیی صبح ازل داشت که وصیتی از باب مبنی بر جانشینی در دست داشت و از این رو پس از مرگ باب، عده ای او را جانشین باب دانستند لکن به جهت سن کم، میرزا حسینعلی زمام کارها را به دست گرفت.

از آنجا که باب به ظهور فردی پس از خود با مقام ((من یظهره الله)) نوید داده بود افراد زیادی ادعای چنین مقامی کردند که توسط حسینعلی و همکاری یحیی یا کشته شدند یا از ادعای خود دست برداشتند. سپس میرزا حسینعلی این مقام را برای خود ادعا کرد و از اینجا نزاع اصلی در میان بابیان آغاز شد. بابی هایی که ادعای حسینعلی را نپذیرفتند و بر جانشینی یحیی

باقی ماندند ازلی نام گرفتند و پیروان حسینعلی بهاء الله بهائی خوانده شدند . او با ارسال نامه هایی به اطراف رسماً آیین جدید را اعلام و عده زیادی به او ایمان آوردند . میرزا حسینعلی مقامات زیادی برای خود ادعا کرد که مهمترین آنها مقام الوهیت و ربوبیت بود . او همچنین ادعای شریعت جدیدی نمود و کتاب اقدس را نگاشت .

سوال ۳. چگونه فرقه بهاییه از فرهنگ غرب متاثر شد ؟

پس از مرگ میرزا حسینعلی ، پسر بزرگش عباس افندی ملقب به عبدالبهاء ، جانشین وی شد . از رویدادهای مهم در زمان او ، سفرش به اروپا و امریکا بود که نقطه عطفی در آیین بهایی محسوب می شود و او در این سفرها تعالیم باب و بهاء را با آنچه در غرب تحت عنوان مدرنیسم متداول بود آشتی داد .

برخی از تاءثیرات فرهنگ غربی در عبدالبها در تعالیم او آشکار است : ترک تقلید ، تطابق دین و علم و عقل ، وحدت زبان و خط ، وحدت اساسی ادیان ، ترک تعصبات ، تساوی حقوق زن و مرد و . . .

سوال ۴. چرا آیین بهائیت در میان مسلمانان جایگاهی نیافت ؟

آیین بابی و بهایی از ابتدای پیدایش در میان مسلمانان به عنوان اعتقادی انحرافی و فرقه ضاله شناخته شده است. ویژگیهای مهدی موعود در احادیث اسلامی به نحوی تبیین شده که راه هر گونه ادعای نادرست را می بندد. ادعای دین جدید توسط باب و بهاء مخالف با اعتقاد به خاتمیت پیامبر اسلام است. لذا علیرغم تبلیغات وسیع هیچ گاه بهائیان در میان مسلمانان جایگاهی نیافتند.

موفق باشید